

قتل فجیع جمال خاشقجی در کنسولگری عربستان در استانبول ضرورت پیگیری موضوع دست داشتن سعودی در مرگ مشکوک غضنفر رکن آبادی در منا را جدی تر کرده است

گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر مر ترضی رکن آبادی، برادر دیپلمات شهید غضنفر رکن آبادی

از رکن آبادی تا خاشقجی

بهزاد مهر کشی: ماجرای جمال خاشقجی و قتل فجیع او در کنسولگری عربستان در استانبول باعث شده تا واقعیت حاکم در دربار فعلی سعودی برای تمام جهان آشکار شود. اینکه یک رژیم، یک روزنامه‌نگار را صرفاً به دلیل انتقاد در کنسولگری خود کشته، مثله و سر به نیست کرده، از آن اقداماتی است که تنها از قبیله سعودی سر می‌زند. حالا با این کاری که بن‌سلمان سعودی کرده، ماهیت رژیم عربستان سعودی برای همه دنیا فاش شده است. با قتل فجیع جمال خاشقجی مشخص شد رژیم سعودی برای رسیدن به اهداف خود، ولو خاموش کردن صدای یک روزنامه‌نگار منتقد مقیم خارج از کشور، دست به هر اقدام غیرانسانی خواهد زد. حالا چنین رژیمی برای حذف فیزیکی دیگران، بویژه دیپلمات‌هایی که احساس می‌کند مخزن‌الاسرار کشورهای رقیب هستند، آیا از جنایتی فروگذار می‌کند؟ در جریان فاجعه منا که نزدیک به ۵۰۰ نفر از هموطنان ایرانی ما به شهادت رسیدند، دکتر

غضنفر رکن آبادی، سفیر ایران در لبنان نیز به شهادت رسید. نکته قابل تأمل اما رفتار مشکوک سعودی‌ها درباره شهید رکن آبادی بود. رژیم سعودی ابتدا حضور دکتر رکن آبادی در منا را رد کرد اما پس از انتشار فیلم قرانق رهبر انقلاب توسط دکتر رکن آبادی در منا، آنها ناگزیر شدند حضور رکن آبادی در عربستان را تأیید کنند. با این حال اما ۶۰ روز طول کشید تا پیکر شهید به خانواده او تحویل داده شود؛ پیکری که مخفیانه دفن شده بود. پس از اصرار خانواده شهید، پیکر شهید رکن آبادی به خانواده او تحویل داده شد اما چه پیکری؟ جنازه شهید رکن آبادی بقریا «تشریح» شده بود. پیکر شهید رکن آبادی نه مغز داشت و نه قلب و امعا و احشای شهید نیز از پیکر او خارج شده بود!

در ادامه، گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر مر ترضی رکن آبادی، برادر شهید غضنفر رکن آبادی را در این باره می‌خوانید.

این روزها که اخبار مربوط به قتل وحشتناک جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار عربستانی در کنسولگری عربستان در استانبول به صدر اخبار دنیا آمده، درک و فهم واقع‌بینانه‌تری نسبت به ماهیت حکام فعلی سعودی و رفتار آنها ایجاد شده است. به نظر می‌رسد بازخوانی جنایت سعودی در ماجرای حادثه منا در سال ۹۴ نیز ضروری باشد، چون الان گمانه عمده بودن ماجرای منا و مسجدالحرام کشته شده و افکار عمومی دنیا با شناختی که پس از فاجعه خاشقجی از رژیم آل سعود پیدا کرده، بیشتر درباره فاجعه منا و مسجدالحرام تأمل می‌کند. اکنون ۳ سال از حادثه منا گذشته است. اگر بخواهید امروز بخش‌هایی از این جنایت را با خوانی کنید به کدام بخش‌ها بیشتر توجه می‌کنید؟

مت‌هاست که سعودی‌ها از رویکردهای عقلانی و محافظه‌کارانه به سمت رادیکالیسم تکفیری و تهاجمی که نوعی جاه‌طلبی بی‌خرانه و بلندپروازی‌های مغرورانه است، تغییر جهت دادند که در پی آن شاهد مداخلات مستقیم و سیاست‌های حذفی آشکار در حاکمان سعودی هستیم. شکست عربستان در ساقط کردن دولت مشروع بن‌سلمان در سوریه و از سوی دیگر مهار و شکست بربریسم عربان داعشی آنها در عراق، یمن و... سبب شده سازه عقلایی تصمیم‌گیری در ریاض با انسداد جدی روبه‌رو شود که راهی جز اتخاذ سیاست به‌اصطلاح منت‌آهنبین در مقابله با مخالفان داخلی و خارجی برای سعودی‌ها نمانده است. برخورد خشن با شاهزادگان سعودی، اعدای بی‌پروای شیخ نمر، همراهی آشکار با پادشاه بحرین و مداخله مستقیم نظامی در سرکوب شیعیان

این کشور، محاصره همه‌جانبه قطر، ماجرای رسوایی آفرین سعد حریری و جنایت جنگی در یمن بویژه کشتار کودکان و غیرنظامیان و حمله مستقیم و عملدانه به اتوبوس دانش‌آموزان و هدف قرار دادن بیمارستان‌ها و... همگی ناشی از اتخاذ سیاست مداخله مستقیم در حذف فیزیکی دولتها و شخصیت‌های مخالفین و رژیم است. در این چارچوب، ظلمی که در حق زائران و ضیوفالرحمان در سال ۱۳۹۴ از سوی عمال شجره خبیثه ملعونه سعودی روا داشته شد، اولین ظلم نبوده و آخرین هم نخواهد بود. حذف فیزیکی عناصر حقوق‌همواره یکی از برنامه‌های اصلی رژیم آل‌سعود بوده است.

این جنایت سعودی درباره روزنامه‌نگار هم‌ملیتی خودشان در حقیقت گوشه‌ای از جنایاتی را که آل‌سعود روزانه در یمن انجام می‌دهد به صورت دیگری مورد توجه عمومی قرار داد؛ به نظر می‌رسد خوی وحشی‌گری با آل‌سعود آمیخته است، نظر شما چیست؟

در سوابق رژیم سعودی حذف فیزیکی مخالفان این رژیم به شیوه‌ها و نحای مختلف وجود دارد. توسل به پول و زور اصلی‌ترین روش‌های حذف مخالفان در این کشور و حتی در سیاست خارجی این کشور است. تلاش برای خفه کردن سازمان‌های بین‌المللی و دادن رشوه به دادگاه‌ها و مجامع بین‌المللی برای سرپوش گذاشتن بر جنایات بشری این رژیم بر هر وجدان بیداری آشکار است. در مواردی که پول کارساز نباشد و مقاومتی در برابر عوامل شجره خبیثه ملعونه سعودی صورت بگیرد، قطعا عامل زور و حذف فیزیکی در دستور کار قرار می‌گیرد که استفاده از عناصر تروریستی در گوشه و کنار دنیا در قالب‌های مختلف (داعش، القاعده، طالبان و نیروهای الشبাব در سومالی و...) از نمونه‌های شناخته شده آن است. جنایات بسیاری که امروز در یمن به‌دست رژیم سعودی و با پشتیبانی آمریکا و سلاح‌های آمریکایی رخ می‌دهد همه در این چارچوب قابل ارزیابی است و اصولاً بسیاری از کارشناسان و آگاهان سیاسی، رژیم سعودی را بانک تغذیه گروه‌های تروریستی می‌دانند. در کل باید گفت ماهیت این رژیم به‌گونه‌ای است که حتی اگر مخالف آن از خاندان سلطنتی هم باشد او

را هم براحتی از صحنه روزگار حذف خواهند کرد که نمونه آن را اخیراً همه شاهد بودند که تعداد قابل توجهی از شاهزادگان سعودی توسط ولیعهد این کشور ماه‌ها زندانی شدند. اینکه امروز سعودی‌ها به جنایت علیه شهروندان خود اقدام می‌کنند، نشان از اختلافات گسترده درون خاندان سلطنتی و تنگ‌تر شدن عرصه بر انسان دارد به طوری که حتی در روزهای اخیر ۵ تن از شاهزادگان سعودی که برای هشداد دادن نسبت به وضعیت پیش آمده بعد از مرگ خاشقجی به دربار مراجعه کرده بودند بازداشت شدند.

برخی افراد و یک جریان داخلی با خوش‌بینی نسبت به اقدامات به ظاهر اصلاحی در عربستان مانند اجاره رانندگی به زنان و... سعی در ارائه الگو از عربستان به ایران داشتند! امروز آنان حرفی برای گفتن دارند؟ ریشه این تفکرات در چیست؟

سیاست مدرن‌سازی صنعتی، فرهنگی و اجتماعی محمد بن‌سلمان به قدری سطحی است که بر هر آگاه سیاسی روشن است که جامعه قبیله‌ای و بشدت کفرانگرا و وابسته عربستان هیچگاه حتی در یک بازه زمانی بلندمدت نخواهد توانست این پروژه را به پیش ببرد. اساساً سیاست‌های مدرنیته دستوری و همراه با فشار متقابل جوامع سنتی و دینی منجر به تعمیق شکاف‌های قومی و مذهبی شده و رادیکالیسم ضدحاکمیتی را به همراه خواهد داشت و از سوی دیگر این استفاده ابزاری و تجویز شده از سوی اربابان آمریکایی و اروپایی این رژیم نمی‌تواند مانع درک وجدان‌های بیدار از جنایات هر روزه آنها در داخل و خارج عربستان باشد. حتی روزنامه گاردین

در سرمقاله روز شنبه ۲۱ مهر درباره محمد بن‌سلمان نوشته قتل خاشقجی ماهیت واقعی دیکتاتوری ارتجاع محمد بن‌سلمان را نشان می‌دهد و بن‌سلمان تمایل دارد هرگونه اقدام برای ایجاد دموکراسی واقعی را چه در عربستان و چه در جهان عرب سرکوب کند که مصداق این موضوع را می‌توان در بحرن مشاهده کرد. نکته اکونومیست هم درباره او نوشته بن‌سلمان یک مصلح نیست، یک دیکتاتور مستبد است.

جنایت آل‌سعود درباره برادر شهید شما همچنان هر فرد دغدغه‌مندی را آزرده‌خاطر می‌کند؛ به نظر شما وقتی سعودی در خاک کشور دیگری علیه هموطن خود اینطور جنایت می‌کند، حالا سطح این جنایت علیه یک ایرانی انقلابی مثل شهید رکن آبادی آن هم در خاک خودش تا چه سطح می‌تواند گسترده و فجیع باشد؟

مرگ فاجعه‌آمیز خاشقجی توسط عوامل سعودی که با مشارکت مستقیم محمد بن‌سلمان طراحی و اجرا شد اکنون به طور واضح نشان می‌دهد سقوط جرقه‌یل در مسجدالحرام و فاجعه منا که به فرموده رهبر انقلاب حادثه‌ای است که احتمال عمد در آن قوی است و طی آن بیش از ۷ هزار حاجی احرام‌پوش به شهادت رسیدند که در بین آنها شخصیت‌هایی مثل دکتر رکن آبادی و دکتر حاتم، دانشمند فضایی عربستان حضور داشتند، در راستای سیاست کور انتقام‌گیری بابت شکست‌های میدانی سعودی‌ها در سوریه، عراق و یمن در عرصه بی‌خطری چون مناسک حج بوده است. اگر بخوایم به سابقه ترور شهید رکن آبادی بازگردیم باید بگوییم این شهید بارها از سوی عوامل ترور رژیم سعودی هدف قرار گرفت اما در بسیاری از این موارد با هوشیاری‌های انجام‌شده عملیات‌ها ناکام ماند که نمونه آن حمله به سفارت جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۲ در بیروت بود که تحت نظر مستقیم بندر بن‌سلمان، رئیس سرویس امنیتی سعودی انجام شد و این فرد در حال حاضر نیز هدایت متناقضین و عوامل مخالف با جمهوری اسلامی را در دستور کار خود قرار داده است. رکن آبادی به سران شجره خبیثه ملعونه از شهید رکن آبادی دقیقاً مانند بقیه حجاج به خاک سعودی با گذاشت اما خوی خونخواره سعودی‌ها به حدی بالا بود که

حضور دکتر رکن آبادی در منا را رد کرد اما پس از انتشار فیلم قرانق رهبر انقلاب توسط دکتر رکن آبادی در منا، آنها ناگزیر شدند حضور رکن آبادی در عربستان را تأیید کنند. با این حال اما ۶۰ روز طول کشید تا پیکر شهید به خانواده او تحویل داده شود؛ پیکری که مخفیانه دفن شده بود. پس از اصرار خانواده شهید، پیکر شهید رکن آبادی به خانواده او تحویل داده شد اما چه پیکری؟ جنازه شهید رکن آبادی بقریا «تشریح» شده بود. پیکر شهید رکن آبادی نه مغز داشت و نه قلب و امعا و احشای شهید نیز از پیکر او خارج شده بود!

در ادامه، گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر مر ترضی رکن آبادی، برادر شهید غضنفر رکن آبادی را در این باره می‌خوانید.

احترام زائر خانه خدا را زیر پا گذاشتند و در ماه حرام جنایاتی را مرتکب شدند که تا قیامت حتی با آب زمزم از دامان این خاندان پاک نخواهد شد. آنچه امروز درباره خاشقجی رخ داد تاکید و تأیید مجددی بود بر جنایات‌های این رژیم که زمان و مکان نمی‌شناسد؛ جنایاتی که می‌تواند در خانه امن الهی و مراسم حج باشد یا در سفراتی یا از ربودن زائران تا مثله کردن خیرنکار منتقد شده و ابزارش قلم است.

به نظر شما آیا نباید نهادهای بین‌المللی درباره شهادت برادر شما نیز کمیته حقیقت‌یاب تشکیل دهند و مانند قتل روزنامه‌نگار عربستانی به طور ویژه در این زمینه فعال شوند؟

تشکیل کمیته حقیقت‌یاب یکی از مواردی بود که در سوی رهبر معظم انقلاب درباره جنایت منا درخواست شد و متأسفانه تا امروز با صرف هزینه‌های کلان از سوی سعودی‌های در برابر آن مانع‌تراشی شده است. امروز بستن دهان‌ها و بستن چشم‌ها و گوش‌ها یکی از تخصص‌های جنایتکاران سعودی است. همچنان که هم‌اینک نیز درباره خاشقجی ما شاهد موضع‌گیری‌های منفی دولتمران آمریکایی علیه این روزنامه‌نگار منتقد سعودی هستیم. رهبر معظم انقلاب امسال هم پیش از برگزاری حج در تشکیل کمیته حقیقت‌یاب فاجعه منا تاکید کردند ولی به‌نظر می‌رسد چنین ظرفیت و الگوی رفتاری در دستگاه اندیشه‌ای و دیسیپلین رفتاری دولت محترم وجود ندارد!

دستگاه‌های متولی مانند وزارت امور خارجه در این زمینه اقدامی کرده‌اند؟ شما از آنها برای پیگیری بین‌المللی مطالبه‌ای داشته‌اید؟ پاسخ شفاهی و عملی آنها چه بوده است؟

متأسفانه سیاست خارجی دولت یازدهم بر مدیریت روابط خارجی از طریق همسویی راهبردی با دولت ژرمنون یعنی دولت آمریکا مبتنی است. که عملاً دست‌های خود را در تأمین منافع ملی و برخورد موثر با بحران‌های بین‌المللی بسته است. اساساً دولت روحانی و دستگاه دیپلماتی آن دچار نوعی ساده‌انگاری راهبردی و بی‌توجهی به ماهیت و دشمنی‌های آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن همچون عربستان است. بر این اساس آنچه می‌توانم بگویم و باید بگویم این است که تا به امروز پس از پیگیری‌های بسیاری که انجام شده است، اقدام موثر و مشتمل‌نمیری را درباره پیگیری جنایت منا و تحقق مطالبات مقام معظم رهبری در این حوزه نه از سوی وزارت امور خارجه و نه از سوی هیچ‌از گان دیگری شاهد نبودیم. به جرأت می‌توانم بگویم بسیاری از گان‌های دولتی تلاش می‌کنند تا جنایاتی که در منا رخ داد به ورطه فراموشی سپرده شود. برای راستی‌آزمایی این کلام در همین جا از مسؤولان وزارت امور خارجه به‌عنوان

مرگ فاجعه‌آمیز خاشقجی توسط عوامل سعودی که با مشارکت مستقیم محمد بن‌سلمان طراحی و اجرا شد اکنون به طور واضح نشان می‌دهد سقوط جرقه‌یل در مسجدالحرام و فاجعه منا که به فرموده رهبر انقلاب حادثه‌ای است که احتمال عمد در آن قوی است و طی آن بیش از ۷ هزار حاجی احرام‌پوش به شهادت رسیدند که در بین آنها شخصیت‌هایی مثل دکتر رکن آبادی و دکتر حاتم، دانشمند فضایی عربستان حضور داشتند، در راستای سیاست کور انتقام‌گیری بابت شکست‌های میدانی سعودی‌ها در سوریه، عراق و یمن در عرصه بی‌خطری چون مناسک حج بوده است. اگر بخوایم به سابقه ترور شهید رکن آبادی بازگردیم باید بگوییم این شهید بارها از سوی عوامل ترور رژیم سعودی هدف قرار گرفت اما در بسیاری از این موارد با هوشیاری‌های انجام‌شده عملیات‌ها ناکام ماند که نمونه آن حمله به سفارت جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۲ در بیروت بود که تحت نظر مستقیم بندر بن‌سلمان، رئیس سرویس امنیتی سعودی انجام شد و این فرد در حال حاضر نیز هدایت متناقضین و عوامل مخالف با جمهوری اسلامی را در دستور کار خود قرار داده است. رکن آبادی به سران شجره خبیثه ملعونه از شهید رکن آبادی دقیقاً مانند بقیه حجاج به خاک سعودی با گذاشت اما خوی خونخواره سعودی‌ها به حدی بالا بود که



مر ترضی رکن آبادی، برادر شهید غضنفر رکن آبادی



احترام زائر خانه خدا را زیر پا گذاشتند و در ماه حرام جنایاتی را مرتکب شدند که تا قیامت حتی با آب زمزم از دامان این خاندان پاک نخواهد شد. آنچه امروز درباره خاشقجی رخ داد تاکید و تأیید مجددی بود بر جنایات‌های این رژیم که زمان و مکان نمی‌شناسد؛ جنایاتی که می‌تواند در خانه امن الهی و مراسم حج باشد یا در سفراتی یا از ربودن زائران تا مثله کردن خیرنکار منتقد شده و ابزارش قلم است.

به نظر شما آیا نباید نهادهای بین‌المللی درباره شهادت برادر شما نیز کمیته حقیقت‌یاب تشکیل دهند و مانند قتل روزنامه‌نگار عربستانی به طور ویژه در این زمینه فعال شوند؟

تشکیل کمیته حقیقت‌یاب یکی از مواردی بود که در سوی رهبر معظم انقلاب درباره جنایت منا درخواست شد و متأسفانه تا امروز با صرف هزینه‌های کلان از سوی سعودی‌های در برابر آن مانع‌تراشی شده است. امروز بستن دهان‌ها و بستن چشم‌ها و گوش‌ها یکی از تخصص‌های جنایتکاران سعودی است. همچنان که هم‌اینک نیز درباره خاشقجی ما شاهد موضع‌گیری‌های منفی دولتمران آمریکایی علیه این روزنامه‌نگار منتقد سعودی هستیم. رهبر معظم انقلاب امسال هم پیش از برگزاری حج در تشکیل کمیته حقیقت‌یاب فاجعه منا تاکید کردند ولی به‌نظر می‌رسد چنین ظرفیت و الگوی رفتاری در دستگاه اندیشه‌ای و دیسیپلین رفتاری دولت محترم وجود ندارد!

دستگاه‌های متولی مانند وزارت امور خارجه در این زمینه اقدامی کرده‌اند؟ شما از آنها برای پیگیری بین‌المللی مطالبه‌ای داشته‌اید؟ پاسخ شفاهی و عملی آنها چه بوده است؟

متأسفانه سیاست خارجی دولت یازدهم بر مدیریت روابط خارجی از طریق همسویی راهبردی با دولت ژرمنون یعنی دولت آمریکا مبتنی است. که عملاً دست‌های خود را در تأمین منافع ملی و برخورد موثر با بحران‌های بین‌المللی بسته است. اساساً دولت روحانی و دستگاه دیپلماتی آن دچار نوعی ساده‌انگاری راهبردی و بی‌توجهی به ماهیت و دشمنی‌های آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن همچون عربستان است. بر این اساس آنچه می‌توانم بگویم و باید بگویم این است که تا به امروز پس از پیگیری‌های بسیاری که انجام شده است، اقدام موثر و مشتمل‌نمیری را درباره پیگیری جنایت منا و تحقق مطالبات مقام معظم رهبری در این حوزه نه از سوی وزارت امور خارجه و نه از سوی هیچ‌از گان دیگری شاهد نبودیم. به جرأت می‌توانم بگویم بسیاری از گان‌های دولتی تلاش می‌کنند تا جنایاتی که در منا رخ داد به ورطه فراموشی سپرده شود. برای راستی‌آزمایی این کلام در همین جا از مسؤولان وزارت امور خارجه به‌عنوان

مرگ فاجعه‌آمیز خاشقجی توسط عوامل سعودی که با مشارکت مستقیم محمد بن‌سلمان طراحی و اجرا شد اکنون به طور واضح نشان می‌دهد سقوط جرقه‌یل در مسجدالحرام و فاجعه منا که به فرموده رهبر انقلاب حادثه‌ای است که احتمال عمد در آن قوی است و طی آن بیش از ۷ هزار حاجی احرام‌پوش به شهادت رسیدند که در بین آنها شخصیت‌هایی مثل دکتر رکن آبادی و دکتر حاتم، دانشمند فضایی عربستان حضور داشتند، در راستای سیاست کور انتقام‌گیری بابت شکست‌های میدانی سعودی‌ها در سوریه، عراق و یمن در عرصه بی‌خطری چون مناسک حج بوده است. اگر بخوایم به سابقه ترور شهید رکن آبادی بازگردیم باید بگوییم این شهید بارها از سوی عوامل ترور رژیم سعودی هدف قرار گرفت اما در بسیاری از این موارد با هوشیاری‌های انجام‌شده عملیات‌ها ناکام ماند که نمونه آن حمله به سفارت جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۲ در بیروت بود که تحت نظر مستقیم بندر بن‌سلمان، رئیس سرویس امنیتی سعودی انجام شد و این فرد در حال حاضر نیز هدایت متناقضین و عوامل مخالف با جمهوری اسلامی را در دستور کار خود قرار داده است. رکن آبادی به سران شجره خبیثه ملعونه از شهید رکن آبادی دقیقاً مانند بقیه حجاج به خاک سعودی با گذاشت اما خوی خونخواره سعودی‌ها به حدی بالا بود که

احترام زائر خانه خدا را زیر پا گذاشتند و در ماه حرام جنایاتی را مرتکب شدند که تا قیامت حتی با آب زمزم از دامان این خاندان پاک نخواهد شد. آنچه امروز درباره خاشقجی رخ داد تاکید و تأیید مجددی بود بر جنایات‌های این رژیم که زمان و مکان نمی‌شناسد؛ جنایاتی که می‌تواند در خانه امن الهی و مراسم حج باشد یا در سفراتی یا از ربودن زائران تا مثله کردن خیرنکار منتقد شده و ابزارش قلم است.

به نظر شما آیا نباید نهادهای بین‌المللی درباره شهادت برادر شما نیز کمیته حقیقت‌یاب تشکیل دهند و مانند قتل روزنامه‌نگار عربستانی به طور ویژه در این زمینه فعال شوند؟

تشکیل کمیته حقیقت‌یاب یکی از مواردی بود که در سوی رهبر معظم انقلاب درباره جنایت منا درخواست شد و متأسفانه تا امروز با صرف هزینه‌های کلان از سوی سعودی‌های در برابر آن مانع‌تراشی شده است. امروز بستن دهان‌ها و بستن چشم‌ها و گوش‌ها یکی از تخصص‌های جنایتکاران سعودی است. همچنان که هم‌اینک نیز درباره خاشقجی ما شاهد موضع‌گیری‌های منفی دولتمران آمریکایی علیه این روزنامه‌نگار منتقد سعودی هستیم. رهبر معظم انقلاب امسال هم پیش از برگزاری حج در تشکیل کمیته حقیقت‌یاب فاجعه منا تاکید کردند ولی به‌نظر می‌رسد چنین ظرفیت و الگوی رفتاری در دستگاه اندیشه‌ای و دیسیپلین رفتاری دولت محترم وجود ندارد!

دستگاه‌های متولی مانند وزارت امور خارجه در این زمینه اقدامی کرده‌اند؟ شما از آنها برای پیگیری بین‌المللی مطالبه‌ای داشته‌اید؟ پاسخ شفاهی و عملی آنها چه بوده است؟

متأسفانه سیاست خارجی دولت یازدهم بر مدیریت روابط خارجی از طریق همسویی راهبردی با دولت ژرمنون یعنی دولت آمریکا مبتنی است. که عملاً دست‌های خود را در تأمین منافع ملی و برخورد موثر با بحران‌های بین‌المللی بسته است. اساساً دولت روحانی و دستگاه دیپلماتی آن دچار نوعی ساده‌انگاری راهبردی و بی‌توجهی به ماهیت و دشمنی‌های آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن همچون عربستان است. بر این اساس آنچه می‌توانم بگویم و باید بگویم این است که تا به امروز پس از پیگیری‌های بسیاری که انجام شده است، اقدام موثر و مشتمل‌نمیری را درباره پیگیری جنایت منا و تحقق مطالبات مقام معظم رهبری در این حوزه نه از سوی وزارت امور خارجه و نه از سوی هیچ‌از گان دیگری شاهد نبودیم. به جرأت می‌توانم بگویم بسیاری از گان‌های دولتی تلاش می‌کنند تا جنایاتی که در منا رخ داد به ورطه فراموشی سپرده شود. برای راستی‌آزمایی این کلام در همین جا از مسؤولان وزارت امور خارجه به‌عنوان

مرگ فاجعه‌آمیز خاشقجی توسط عوامل سعودی که با مشارکت مستقیم محمد بن‌سلمان طراحی و اجرا شد اکنون به طور واضح نشان می‌دهد سقوط جرقه‌یل در مسجدالحرام و فاجعه منا که به فرموده رهبر انقلاب حادثه‌ای است که احتمال عمد در آن قوی است و طی آن بیش از ۷ هزار حاجی احرام‌پوش به شهادت رسیدند که در بین آنها شخصیت‌هایی مثل دکتر رکن آبادی و دکتر حاتم، دانشمند فضایی عربستان حضور داشتند، در راستای سیاست کور انتقام‌گیری بابت شکست‌های میدانی سعودی‌ها در سوریه، عراق و یمن در عرصه بی‌خطری چون مناسک حج بوده است. اگر بخوایم به سابقه ترور شهید رکن آبادی بازگردیم باید بگوییم این شهید بارها از سوی عوامل ترور رژیم سعودی هدف قرار گرفت اما در بسیاری از این موارد با هوشیاری‌های انجام‌شده عملیات‌ها ناکام ماند که نمونه آن حمله به سفارت جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۲ در بیروت بود که تحت نظر مستقیم بندر بن‌سلمان، رئیس سرویس امنیتی سعودی انجام شد و این فرد در حال حاضر نیز هدایت متناقضین و عوامل مخالف با جمهوری اسلامی را در دستور کار خود قرار داده است. رکن آبادی به سران شجره خبیثه ملعونه از شهید رکن آبادی دقیقاً مانند بقیه حجاج به خاک سعودی با گذاشت اما خوی خونخواره سعودی‌ها به حدی بالا بود که

احترام زائر خانه خدا را زیر پا گذاشتند و در ماه حرام جنایاتی را مرتکب شدند که تا قیامت حتی با آب زمزم از دامان این خاندان پاک نخواهد شد. آنچه امروز درباره خاشقجی رخ داد تاکید و تأیید مجددی بود بر جنایات‌های این رژیم که زمان و مکان نمی‌شناسد؛ جنایاتی که می‌تواند در خانه امن الهی و مراسم حج باشد یا در سفراتی یا از ربودن زائران تا مثله کردن خیرنکار منتقد شده و ابزارش قلم است.

به نظر شما آیا نباید نهادهای بین‌المللی درباره شهادت برادر شما نیز کمیته حقیقت‌یاب تشکیل دهند و مانند قتل روزنامه‌نگار عربستانی به طور ویژه در این زمینه فعال شوند؟

تشکیل کمیته حقیقت‌یاب یکی از مواردی بود که در سوی رهبر معظم انقلاب درباره جنایت منا درخواست شد و متأسفانه تا امروز با صرف هزینه‌های کلان از سوی سعودی‌های در برابر آن مانع‌تراشی شده است. امروز بستن دهان‌ها و بستن چشم‌ها و گوش‌ها یکی از تخصص‌های جنایتکاران سعودی است. همچنان که هم‌اینک نیز درباره خاشقجی ما شاهد موضع‌گیری‌های منفی دولتمران آمریکایی علیه این روزنامه‌نگار منتقد سعودی هستیم. رهبر معظم انقلاب امسال هم پیش از برگزاری حج در تشکیل کمیته حقیقت‌یاب فاجعه منا تاکید کردند ولی به‌نظر می‌رسد چنین ظرفیت و الگوی رفتاری در دستگاه اندیشه‌ای و دیسیپلین رفتاری دولت محترم وجود ندارد!

دستگاه‌های متولی مانند وزارت امور خارجه در این زمینه اقدامی کرده‌اند؟ شما از آنها برای پیگیری بین‌المللی مطالبه‌ای داشته‌اید؟ پاسخ شفاهی و عملی آنها چه بوده است؟

متأسفانه سیاست خارجی دولت یازدهم بر مدیریت روابط خارجی از طریق همسویی راهبردی با دولت ژرمنون یعنی دولت آمریکا مبتنی است. که عملاً دست‌های خود را در تأمین منافع ملی و برخورد موثر با بحران‌های بین‌المللی بسته است. اساساً دولت روحانی و دستگاه دیپلماتی آن دچار نوعی ساده‌انگاری راهبردی و بی‌توجهی به ماهیت و دشمنی‌های آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن همچون عربستان است. بر این اساس آنچه می‌توانم بگویم و باید بگویم این است که تا به امروز پس از پیگیری‌های بسیاری که انجام شده است، اقدام موثر و مشتمل‌نمیری را درباره پیگیری جنایت منا و تحقق مطالبات مقام معظم رهبری در این حوزه نه از سوی وزارت امور خارجه و نه از سوی هیچ‌از گان دیگری شاهد نبودیم. به جرأت می‌توانم بگویم بسیاری از گان‌های دولتی تلاش می‌کنند تا جنایاتی که در منا رخ داد به ورطه فراموشی سپرده شود. برای راستی‌آزمایی این کلام در همین جا از مسؤولان وزارت امور خارجه به‌عنوان